

ازدواج‌های خیابانی دامی بر سر راه جوانان

یکی از دام‌هایی که بر سر راه بیشتر دخترها و حتی بعضی از پسرهای جوان است، دام دوستی‌ها و ارتباطات خیابانی است.



سلامت نیوز: یکی از دام‌هایی که بر سر راه بیشتر دخترها و حتی بعضی از پسرهای جوان است، دام دوستی‌ها و ارتباطات خیابانی است. ازدواج‌های خیابانی معمولا بدون شناخت کافی، بدون آشنایی با بهترین و بدترین ویژگی‌های طرف مقابل، بدون خرد و دانایی کافی انجام می‌شوند و متاسفانه اکثرا منجر به جدایی و طلاق خواهند شد.

یکی از دام‌هایی که بر سر راه بیشتر دخترها و حتی بعضی از پسرهای جوان است، دام دوستی‌ها و ارتباطات خیابانی است. وقتی ستون حوادث روزنامه‌ها و مجلات را می‌خوانیم، با انواع و اقسام ارتباطات شکست خورده و بد فرجام، کلاهبرداری‌های جنس مخالف، ناجوانمردی‌ها، تجاوزها، دروغ‌ها و بسیاری ناهنجاری‌ها در روابط دختر و پسرهای ناشناسی را که در خیابان و معابر عمومی تنها با رد و بدل یک شماره تلفن دوست می‌شوند، مواجه می‌شویم. اما متاسفانه برای بسیاری از نوجوانان و جوانان، هنوز هم این همه اتفاقات ناگوار، دلیل نمی‌شود که آنها هوشیارتر شوند و فریب برخی از دوستی‌های کاذب را نخورند. بلکه برعکس آنها گمان می‌کنند والدین یا اطرافیان بزرگسالشان می‌خواهند آنها را از دوستی و معاشرتی که مطلوب و دلخواه آنهاست محروم کنند! برخی از جوانان هم دوستی‌های این چینی را نوعی سرگرمی بامزه تلقی می‌کنند و می‌خواهند تجربه چنین سرگرمی‌هایی را داشته باشند! در حالی که گاهی تبعات چنین روابطی بسیار ناگوار است.

برخی باورهای متداول غلط درباره دوستی‌های خیابانی متاسفانه برخی باورهای غلط وجود دارند که باعث می‌شوند افراد فریب خوردن خود را نامحتمل بدانند و گمان کنند گول خوردن و ضرر کردن فقط برای دیگران رخ می‌دهد. در این جا می‌خواهیم برخی از این باورهای غلط را بررسی کنیم .

من حواسم جمع است و گول نمی‌خورم!!!

این باور نادرستی است. از قدیم گفته‌اند دست بالای دست بسیار است. بالاخره در این دنیا کسی پیدا می‌شود که از ما باهوش‌تر، زرنک‌تر یا مکارتر باشد. به نظر من، به محض این که طرف مقابل در دوستی‌ها خصوصا دوستی‌های خیابانی، در خواست پول، بصورت قرض و وام یا وجه دستی، کارت اعتباری یا کارت بنزین، سویچ اتومبیل، تنها ماندن با ما در یک خانه و به قول معروف در یک مکان در بسته و به دور از انظار عمومی، یا درخواست هر چیز دیگر مانند یک شیء یا هدیه یا ... کرد جدا باید به او شک کرد. بدیهی است که این درخواست‌ها بعد از جلب اعتماد صورت می‌گیرد نه از همان ابتدا. این جلب اعتماد هم متاسفانه با ابراز محبت‌های دروغین کلامی، یا خریدن یک کادوی ارزان قیمت، با وعده‌های مختلف مانند وعده خواستگاری و ازدواج یا هر وعده دیگر انجام می‌شود. دختر یا پسری که در مقابل چنین فریب‌هایی قرار می‌گیرد از روی خجالت و رودر بایستی یا از روی ترس از آبرو و گاهی هم ناهشیاری و بی‌خبری، به درخواست طرف مقابل تن می‌دهد و گاهی یک عمر زیان و پشیمانی را به جان می‌خورد. خصوصا افرادی که کمبود توجه و کمبود محبت دارند بیشتر در دام ابراز محبت و توجه‌های کاذب گرفتار می‌شوند چون چیزی که آنها را در رابطه نگه می‌دارد تنها نیرنگ طرف مقابل نیست بلکه نیاز خود آنهاست. بنابراین حواستان باشد که خود و نیازهایتان را خوب بشناسید و یادتان باشد که کمتر کسی است که در خیابان عاشق شما شود مگر آنکه یا کمبودهای بسیار داشته باشد و یا دروغگوی ماهری باشد.

خانواده و بستگان طرف مقابل اهمیتی ندارند!!!

افراد در خانواده خود رشد می‌کنند و بزرگ می‌شوند و نگاه و بینش و بسیاری از باورها و اعتقادات آنها در خانواده شکل می‌گیرد. اگر متوجه شدید که طرف مقابل شما یعنی کسی که در خیابان با او دوست شده‌اید با خانواده‌اش خیلی تفاوت دارد کمی به او شک کنید. منظور این نیست که همه افراد باید عینا مانند خانواده‌شان باشند، اما تفاوت‌های فاحش در طرز حرف زدن و لباس پوشیدن، و تفاوت جدی با خانواده در رفتار و منش معمولا نشان از نوعی بازیگری، به منظور فریب طرف مقابل دارد. ضمن این که خدمات اجتماعی در کشور ما طوری است که تقریبا تا پایان عمر نیاز ما را به حمایت‌های خانواده‌ها در ازدواج، تحصیل، زایمان و ... حفظ می‌کند و خانواده‌ها در زندگی ما تا حد زیادی دخیل هستند و این بدان معناست که نمی‌توان کسی را بدون خانواده‌اش خواست و در نظر گرفت. افرادی که خانواده‌شان را پنهان می‌کنند، محل زندگی‌شان را قایم می‌کنند، اطلاعات جامعی در باره مواد مخدر و بزهکاری‌ها دارند معمولا (نه همیشه) خانواده‌های مسئله‌داری دارند.

گذشته طرف مقابل مهم نیست!!!

افراد به مرور زمان تغییر می‌کنند و امکان رشد برای هر کسی فراهم است. اما این بدین معنا نیست که گذشته آنها مهم نیست و اهمیتی ندارد. چون در برخی موارد اعمال و رفتارهای فرد در گذشته، به همان گذشته ختم نمی‌شود و اثر و نتایج آن تا به امروز و حتی برای آینده باقی می‌ماند. از نظر روانشناسان، تغییر واقعی فرد، علائمی دارد، بنابراین اگر گذشته فردی تا حدودی ناهنجار بوده حتما قبل از اینکه با او وارد ارتباط جدی بشوید لازم است روانشناس او را دیده باشد. متاسفانه افرادی هستند که در گذشته دزدی کرده یا مبتلا به بیماری یا اعتیاد بوده‌اند یا خدای ناکرده روابط نامشروعی داشته‌اند که منجر به حامله شدن و فرزنددار شدن دختری شده است، چنین کارهایی به هر حال عواقب و تبعاتی دارد که تا پایان عمر دامن‌گیر فرد می‌شود. بنابراین گذشته افراد، خصوصا اگر پای رابطه محکمی مانند پیوند ازدواج در میان باشد، مهم است. اگر هم خبری از ازدواج نباشد، گذشته فرد می‌تواند نشان دهنده رفتار فعلی فرد با خود شما و نوع رابطه‌ای باشد که با شما برقرار خواهد کرد.

طرف مقابل را تغییر خواهم داد!!!

تقریبا در هر مقاله‌ای که در باره ازدواج نوشته‌ام اشاره کرده‌ام که هیچ کسی حتی همسر را نمی‌توان تغییر داد مگر آن که خود او بخواهد. ضمن این که تغییر کار سختی است و هر کسی حتی وقتی خود می‌خواهد، اگر عزم جزمی نداشته باشد نمی‌تواند به راحتی عوض شود. بنابراین، این طرز تفکر که قادرید کسی را تغییر بدهید کنار بگذارید و خود را درگیر تغییر دادن کسی که به هر دلیلی سر راهتان قرار گرفته نکنید. برخی از افراد برای جلب حس ترحم و دلسوزی یا برانگیختن حس انسان دوستی و اقتدار شما تا با شما آشنا می‌شوند می‌خواهند شما را در وضعیتی قرار دهند که گمان کنید آنها بدون شما می‌میرند و نمی‌توانند رشد کنند! دوستی با چنین افرادی چه خیابانی و چه غیر خیابانی، اشتباه است. هر کسی مسئول تغییر دادن خود است و نباید مانند انگل، برای تغییر به دیگران تکیه کند و از آنها تغذیه نماید. وقتی کسی چنین جایگاهی برایتان قائل می‌شود متوجه باشید که یا دروغ می‌گوید و یا قصد دارد شما را نردبانی کند و از آن بالا برود یا به هر طریقی انرژی شما را بمکد.

ازدواج خیابانی ما با بقیه فرق دارد!!!

اکثر ما آنقدر از این که گول بخوریم بدمان می‌آید که وقتی در معرض سوء استفاده یا فریب قرار می‌گیریم ترجیح می‌دهیم بگوییم که رابطه ما متفاوت است! در حالی که اگر کمی دقت کنیم متوجه می‌شویم که چنین نیست و این رابطه هم همان الگوی روابط دیگر را دارد و به اصطلاح خون ما رنگین‌تر از دیگران نیست! ازدواج‌های خیابانی معمولا بدون شناخت کافی، بدون آشنایی با بهترین و بدترین ویژگی‌های طرف مقابل، بدون خرد و دانایی کافی انجام می‌شوند و متاسفانه اکثرا منجر به جدایی و طلاق خواهند شد. به نظر شما اگر کسی در محل کار، در بین فامیل و دوست و آشنا، در محل تحصیل و در بین همسایه‌ها و اقوام دورتر اعتبار کافی دارد، چرا در خیابان باید به دنبال همسر بگردد؟ و اگر در خیابان به دنبال همسر است، یا از کسی خوشش آمده، چرا برای ازدواج، اقدام عملی نمی‌کند و مدام امروز و فردا می‌کند؟ معمولا افرادی که در خیابان به دنبال جنس مخالف می‌گردند، او را برای دوستی، وقت‌گذرانی، سرگرمی و در بهترین حالت برای شناخت جنس مخالف و نه ازدواج می‌خواهند. بهتر است خود را گول نزنیم و رابطه‌مان را بیهوده رابطه‌ای برتر از روابط دیگران نشماریم و همیشه هوشیار باشیم.

منبع: دنیای زنان